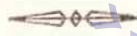


نکات گرهی در باره مسئله ملی در ایران

و حل آن از نظر حزب توده ایران



ماده بسته بنه ره تیه گانی مه سه له ی نه ته و ایه تی له ئیر اندا
و چاره سهر کردنی نه م مه سه له یه به پیی نه زهری
حیزی توده ی ئیران

نکات گرهی در باره مسئله ملی در ایران و حل آن از نظر حزب توده ایران

(مصوب هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

۱- مسئله ملی در کشور ما در دو سطح مطرح میشود: یکبار از جهت مبارزه همه مردم ایران علیه ستم و غارتگری امپریالیسم، در راه تأمین استقلال واقعی کشور. از همین جهت است که میگوئیم انقلاب ایران در مرحله ملی و دموکراتیک است و یکبار از جهت مبارزه ملل و اقوام ساکن سرزمین ایران که از حقوق ملی محرومند و علیه ستم ملی، بخاطر تأمین حق تعیین سرنوشت خویش مبارزه میکنند. ما بین این دو جهت مسئله ملی در کشور ما پیوند درونی وجود دارد. در سند حاضر مسئله ملی از جهت دوم، از جهت داخلی مطرح است.

۲- ایران کشوریست کثیرالمله که در آن ملتها و اقوام گوناگونی زندگی میکنند مانند فارسها، آذربایجانیها، کردها، بلوچها، ترکمنها، عربها. در نواحی مختلف ایران، در داخل واحدهای ملی دیگر، اقوام و عشایر ترک زبان، کرد زبان و غیره بسر میبرند که دارای سرزمین، زبان و آداب و رسوم خود میباشند. بعلاوه اقلیتهای ملی دیگری وجود دارند که در سراسر کشور پراکنده اند مانند ارمنیها، آسوریها، یهودیها و غیره.

۳- درجه «قوم‌ملی» در نزد واحدهای ملی ساکن ایران یکسان نیست، بدین معنی که نضج علامات چهارگانه‌ای که وجود آنها برای تشکیل ملت ضرور است، یعنی اشتراك سرزمین، اشتراك زبان، اشتراك فرهنگ، اشتراك حیات اقتصادی، در نزد این واحدهای ملی در سطح همانند قرار ندارد. در کنار فارسها، آذربایجانیها و کردها مراحل تکامل بیشتری را از جهت این قوم گذرانده‌اند. در کشور ما بجز فارسها بقیه واحدهای ملی از حق اداره امور اجتماعی، اقتصادی، اداری و فرهنگی خویش محرومند یعنی در معرض ستم و تبعیض ملی قرار دارند. ستم‌مندی در میان ملل و اقوام ساکن سرزمین ایران تخم‌دشمنی، سوءظن و عدم اعتماد می‌افشاند و مانع همبستگی واحدهای ملی ساکن کشور ما در يك اتحاد داوطلبانه و برادرانه است.

همچنین در شرائط کنونی از جهت مسئله ملی در زندگی اجتماعی کشور دوجریان مشاهده میشود. یکی از آنها سیاست تحلیل جبری آن خلقهای ایرانست که در معرض ستم ملی قرار دارند (بویژه از طریق تحمیلات، تبعیضات سیاسی و فرهنگی) و دیگری گسترش مبارزه این خلقهاست که در عرصه‌های مختلف زندگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی خود را نشان میدهد. در بین واحدهای ملی ساکن سرزمین ما آگاهی ملی و مطالبه حقوق ملی در حال رشد است و مسئله ملی بیش از پیش جدت می‌یابد و حل آن بیش از پیش یکی از وظایف مبرم اجتماعی مبدل میگردد.

۴- در کنار این واقعیت انکارناپذیر که اعمال ستم ملی از طرف هیئت حاکمه موجب تفرقه معنوی ملل و اقوام ساکن ایرانست، واقعیت دیگری نیز هست، که در حل مسئله ملی باید مورد توجه قرار گیرد: رشته‌های مختلفی واحدهای ملی ساکن ایران را در گذشته و حال بهم پیوند میدهد. این واحدهای ملی طی قرنهای متمادی بایکدیگر سرنوشت مشترکی داشته‌اند و در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی و برآزنده ایران باهم همکاری کرده‌اند و در راه استقلال و آزادی میهن مشترک خویش ایران در ادوار مختلف تاریخ متحد و دوشادوش

یکدیگر فداکاریهای بیشمار نموده‌اند. از درون این مبارزات اجتماعی و تلاشهای فرهنگی چهره‌های برجسته‌ای که دارای اهمیت جهانی هستند برخاسته‌اند که متعلق به همه خلقهای ایرانند. منافع اساسی خلقهای ایران علیه امپریالیسم و ارتجاع باهم درمی‌آمیزد و همه خلقهای ایران بنحو یکسان مورد ستم امپریالیستی و عمال آن قرار دارند. لذا در طرح و حل مسئله ملی در ایران باید هر دو واقعیت را در نظر گرفت. یعنی هم این واقعیت را که در ایران ملل و اقوام و اقلیتهای ملی مختلفی دچار ستم و محرومیت ملی می‌باشند و هم این واقعیت را که پیوند عمیق تاریخی، فرهنگی و منافع مشترک عمده و اساسی سیاسی و اجتماعی مابین خلقهای ساکن کشور ما وجود دارد.

۵- حزب توده ایران طرفدار برابری کامل حقوق کلیه اقوام و ملل و اقلیتهای ملی ساکن سرزمین ایران و اتحاد و طلبانه آنها در چارچوب میهن واحد و برپایه حفظ تمامیت ارضی کشور ایران است. ریشه کن کردن ستم ملی شرط اساسی و مقدم تأمین این هدف است. راه نیل بدین مقصود تأمین خودمختاری اقوام و ملل محروم ایران است. بدین منظور باید تقسیمات کشوری برپایه ملی قرار گیرد. در واحدهای ملی، شورای استان، شهرستان و بخش بصورت ارگانهای اعمال خودمختاری ملی در چارچوب میهن واحد ما ایران درآیند. در مورد اقلیتهای ملی که بعزت پراکندگی خود نمیتوانند خودمختاری داشته باشند، باید برابری حقوق آنها با سایر ملل و اقوام ساکن سرزمین ما و نیز حقوق فرهنگی آنها تأمین گردد.

۶- تضادهای اصلی جامعه معاصر ایران عبارتست از تضاد همه خلقهای کشور ما با امپریالیسم و عمال آن و تضاد همه این خلقها با سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ. تضاد ملی با آنکه از تضادهای مهم جامعه ما است، ولی جزو تضادهای اصلی نیست. از اینجا این نتیجه حاصل میشود که وظیفه مقدم همه زحمتکشان ایران در

درجه اول توحید مساعی برای مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای نیل به استقلال و دموکراسی است. یکی از شرائط اساسی تأمین موفقیت در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، وحدت رهبری و سازمانی کلیه سازمانهای طبقه کارگر در مقیاس سراسر کشور، داشتن برنامه و اساسنامه واحد، مشی استراتژیک و تاکتیک واحد است تا وحدت اراده و عمل حزب طبقه کارگر در سراسر کشور تأمین گردد. خواست ایجاد سازمانهای جداگانه حزب طبقه کارگر بر پایه ملی یک خواست ناسونالیستی است که به تفرقه طبقه کارگر ایران و نتیجتاً به تضعیف و در قبال دشمنان مشترک و در امر اعمال رهبری این طبقه در مجموعه جنبش منجر میشود. تضاد ملی و مسئله ملی را فقط در چارچوب حل تضادهای اصلی جامعه و تحت رهبری حزب طبقه کارگر میتوان بدرستی و با پیگیری و بطور نهائی حل کرد. حزب توده ایران از هر گونه مبارزه و مطالبه ملی که در این چارچوب باشد پشتیبانی خواهد کرد و خود بنوبه خود این مطالبه عمومی دموکراتیک را در برنامه خویش مطرح کرده و برای آن مبارزه میکند.

۷- همانطور که مطلق کردن تضاد ملی و جدا کردن آن از تضادهای اصلی جامعه منجر به انحراف ملتگرایی و گوشه گیری ملی میشود، انکار مسئله ملی و مسکوت گذاردن آن موجب بروز انحراف جدی دیگریست که از شوینیسیم ملت بزرگ ناشی است. یکی از مظاهر ایده نولوژیک شوینیسیم ملت بزرگ در کشور ما پان ایرانیسم است که وجود واحدهای ملی مختلف را در ایران انکار میکند و ستم ملی را تحت عنوان «وحدت ملی» توجیه مینماید. حزب ما ایران را وطن مشترک کلیه اقوام و ملل و اقلیتهای ملی ساکن ایران میداند و از این جهت همه آنها را ایرانی می شمرد، ولی ساکنان ایران چنانکه گفته شد از واحدهای ملی مختلف تشکیل یافته اند.

حزب توده ایران هر دو انحراف ناسیونالیسم ملت کوچک و شوینیسیم ملت بزرگ و ایده نولوژیها و سیاستهای ناشی از آن را رد میکند و با آنها مبارزه

کرده است و خواهد کرد. حزب طبقه کارگر تنها زمانی میتواند اعتماد کامل حلقهای محروم کشور ما را بسوی خود جلب کند که خود را در فکر و عمل نه تنها مدافع پیگیر منافع طبقاتی آنها بلکه همچنین مدافع منافع ملی آنها نشان دهد، چنانکه در تاریخ فعالیت خود پیوسته چنین کرده است.

۸- سند حاضر که بنابه توصیه پلنوم چهاردهم کمیته مرکزی حزب توده ایران تنظیم شده است مبادی اصولی و عملی سیاست حزب را در مسئله ملی روشن میکند. این سند باید محور مشترک قضاوت کلیه رفقای حزبی و هواداران حزب مادر مسئله ملی قرار گیرد و به امر تفاهم بین زحمتکشان همه واحدهای ملی ساکن کشور ما کمک کند. داشتن استنباط صحیح در مسئله ملی شرط پیگیر بودن در دموکراتیسم انقلابیست. حزب ما به بفرنجی مسئله ملی که دارای ریشههای عمیق تاریخی و اجتماعیست کاملاً توجه دارد و با انطباق اصول مارکسیسم-لنینیسم بر شرایط کشور، سیاست خود را بر پایه تامین وحدت و اعتماد متقابل ملل و اقوام و اقلیتهای ملی ساکن ایران مبتنی ساخته است.

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۷ آبان ۱۳۵۲

مه بهسته بنه ره تیه کانی مه سه لهی نه ته وایه تی له ئیراندا
و چاره سهر کردنی ئەم مه سه له یه به پیی نه زهری
حیزبی توده ی ئیران

(له لایهن هه یئه تی ئیجرائیه ی کومیتیه ی ناوه ندیه ی حیزبی توده ی
ئیرانه وه په سند کراوه)

۱- مه سه له ی نه ته وایه تی له وه لاتی ئیمه دا له دو دیمه نه وه مه تره ح
ده کریت: جاری له دیمه نی خه باتی هه موخه لکی ئیرانه وه دژی سته مو
تالانگه ریه ی ئیمپریالیزم، له پیناوی دابین کردنی سه ره به خوایی راسته قینه ی
وه لاتدا. هه ره له دیمه نه وه یه که ده لین شورشی ئیران له پله ی نه ته وایه تی
و دیمو کراتیکدایه. جاری کیش له دیمه نی خه باتی نه ته وه وگه له کانی
دانیشتی خاکی ئیرانه وه که له مافی نه ته وایه تی بی به شن و به پیچه--
وانه ی سته می نه ته وایه تی، له پیناوی دابین کرانی مافی دیاری کردنی
چاره نوی خویاندا خه بات ده که ن. ئەم دو جیهه ته ی مه سه له ی نه ته وایه
یه تی له وه لاتی ئیمه دا له نیوه وه له گه لیک پیوندیان هه یه. له مه به لگه یه دا
که ئاماده کراوه مه سه له ی نه ته وایه تی له جیهه تی دووه مه وه، له جیهه تی
داخیه وه مه تره حه.

۲- ئیران وه لاتیکی چه ندنه ته وه یی یه که له ویدا نه ته وه وگه لانی
جوربه جور له وینه ی فارسان، ئازه ربایجانیان، کوردان، به لوچان،

تورکمه‌نان و عدره بان ده‌ژین. له مه‌لبه‌نده جوربه‌جوره‌کانی ئیران له ناوواحیده نه‌ته‌وایه‌تیه‌کانی تر دا گه‌لان و عه‌شایری تورک زمان و کورد زمان و هه‌ی تر ده‌ژین که‌خاوه‌نی خاک، زمان و ری و شوینی خویان، هه‌روه‌ها هیندی که‌مایه‌تی نه‌ته‌وایه‌تی دیکه‌هه‌ن که‌به‌سه‌رانسه‌ری و هه‌لاتدا بلاوبون، وه‌کو: ئه‌رمه‌نیان، ئاسوریان، موساییان و هه‌ی تر.

۳- ده‌ره‌جه‌ی «گروانی نه‌ته‌وایه‌تی»-ی هه‌مو واحیده‌نه‌ته‌وایه‌تیه‌کانی دانیشتوی ئیران وه‌ک‌یک‌نیه‌یانی په‌ره‌گرتنی ئه‌وچوارنیشا- نه‌یه‌ی که‌بو پیک‌هاتنی نه‌ته‌وه‌ پویستن (هاوبه‌شیی خاک، هاوبه‌شیی زمان، هاوبه‌شیی فه‌ره‌نگ و هاوبه‌شیی ژیانی ئابوری) له‌نیوان ئه‌م واحیده نه‌ته‌وایه‌تیانه‌دا له‌یک‌پله‌دانیه‌. ویرای‌فارسان، ئازهر بایجانیان و کوردان له‌بارهی ئه‌م گروانه‌وه‌ زورتر په‌ره‌یان سه‌ندوه‌. له‌وه‌لاتی ئیمه‌دا جیاله‌فارسان واحیده نه‌ته‌وایه‌تیه‌کانی دیکه‌له‌مافی ئیداره‌کردنی کاروباری کومه‌لایه‌تی، ئابوری، ئیداری و فه‌ره‌نگیی خویان بی‌به‌شن، یانی له‌ژیر باری سته‌م و فه‌رق و جیاوازیی نه‌ته‌وایه‌تیدان. سته‌می نه‌ته‌-وایه‌تی له‌نیوان نه‌ته‌وه‌ و گه‌له‌کانی دانیشتوی خاکی ئیراندا توی دوژمنایه‌تی، دردو‌نگی و بی‌باوه‌ری بلاوده‌کاته‌وه‌ و نا‌هیلیت که‌واحیده نه‌ته‌وایه‌تیه‌کانی دانیشتوی و هه‌لاتی ئیمه‌له‌یکه‌تی‌یکی داوته‌له‌بانه‌ و برایانه‌دا پیک‌بگرن.

هه‌روه‌ها له‌هه‌ل و مه‌رجی ئیستادا له‌بارهی مه‌سه‌له‌ی نه‌ته‌وا-یه‌تیه‌وه‌ له‌ژیانی کومه‌لایه‌تی و هه‌لاتدا دو‌جه‌ریان ده‌بینه‌ریت. پیک‌یک له‌وانه‌سیاسه‌تی تاواندنه‌وه‌ی زورداریی ئه‌و گه‌لانه‌ی ئیرانه‌که‌له‌ژیر باری سته‌می نه‌ته‌وایه‌تیدان (به‌تایبه‌تی له‌ریگای به‌سه‌رداسه‌پاندن و فه‌رق و جیاوازیی سیاسی و فه‌ره‌نگیه‌وه‌). ئه‌وی تر په‌ره‌سه‌ندنه‌ی خه‌باتی ئه‌م گه‌لانه‌یه‌که‌له‌مه‌یدانی جوربه‌جوری ژیانی ئابوری، سیاسی و فه‌ره‌نگیدا خوی ده‌نوینیت. له‌نیوان واحیده نه‌ته‌وایه‌تیه‌کانی دا-

نیشتی و ولاتی ئیمهدا و هه به ره هاتی نه ته وایه تی و داوای مافی
نه ته وایه تی له پهر سه نندایه. مه سه له ی نه ته وایه تی تادیت به ته و ژمتر
ده بیت و چاره سر کردنی وی تادیت زیاد تر ده بیت به ییکیک له ئه ر که
گرینگه کومه لایه تیه کان.

٤- ویرای ئه م حه قیقه ته حاشا لی نه کراوه که وه کاره ی نرانی
سته می نه ته وایه تی له لایه ن هه یئه تی حاکیمه وه ده بیته هوی بلا وه بی
و لیک دور که وتنی مه عنده وی نه ته وه و گه له کانی دانیشتی ئیران
حقیقه تیکی تریش هه یه که کاتی چاره سر کردنی مه سه له ی نه ته وایه تی
ده بی له بهر چاو بگیریته: پیوه ندی جور به جور واحیده نه ته وایه تیه.
کانی دانیشتی ئیران له رابردو و ئیستادا به ییکه وه ده به ستیت. ئه م
واحیده نه ته وایه تیانه به در یژایی چه ندین سه ده چاره نویسی گشتی یان
بووه و بو خولقاندن و دامه ز راندنی فره هنگی ده وه له مند و به دیمه نی
ئیران له گه ل ییک هاو کاریان گردووه وه پیناوی سه ره به خویی و ئازادی
نیشتمانی گشتی خویان ئیراندا له سه رده مه جور به جوره کانی میژودا.
به شیوه ی ییک گرتو و شان به شانی ییکتر فیدا کاری ییکی بی ژماریان
نوواندووه. له ناو ئه م خه باته کومه لایه تیانه و ئه م کوششته فره ه.
نگیانه دا پیاوانی به دیمه ن هه لکه وتون که خاوه نی گرینگایه تی جیهانین
و هی هه مو گه له کانی ئیران. قازانجی بنه ره تی گه له کانی ئیران له
خه باتی دژی ئیمپریالیزم و کونه په رستیدا له گه ل ییک پیوه ندی هه یه و
ته وای گه له کانی ئیران وه ک ییک له ژیر سته می ئیمپریالیزم و ژیر-
ده سته کاندان. له بهر ئه مه کاتی ته رح و چاره سر کردنی مه سه له ی
نه ته وایه تی له ئیراندا ده بی هه ردو حه قیقه ت له بهر چاو بگیریته: یانی
هه م ئه م حه قیقه ته که له ئیراندا نه ته وه و گه ل و که مایه تی نه ته وایه تی
جور به جور له ژیر سته م و بی به شی نه ته وایه تیدان و هه م ئه م حه قیقه ته
که له نیوان گه له کانی دانیشتی و ولاتی ئیمهدا پیوه ندی قولی میژویی.

فهرهنگی و قازانجی گشتیی گرینگ و بنه ره ئیی سیاسی و گومه لایه ئی
مه وجوده.

۵- حیزبی توده ی ئیران لاگری بهرانبه ریی کاملی مافی ته واوی که ن
و نه ته وه و که مایه تیه نه ته وایه تیه کانی دانیشتوی خاکی ئیران و بیکه -
تی داوتله بانهی نه وانه له ناو چوارچیوهی نیشتمانی واحیددا وله -
سهر بنه ره تی پاراستنی ته واوه تی و پته ویی خاکی وه لاتی ئیران.
ریشه که ن کردنی ستمی نه ته وایه تی بیکه م شهرتی گرینگ دابین -
کرانی هم نه مانجه یه. ریگای گیشتن به م نامانجه بریه تیه له دابین -
کرانی خودمختاریی گهل و نه ته وه بی به شه کانی ئیران. بو هم
نه مانجه ده بی ته قسیماتی گیشوه ری له سهر بنه ره تی نه ته وایه تی
دابتریت. له واحیدم نه ته وایه تیه کاندای شورای ئوستان، شارستان و
به خش بی به ئورگانی به جی گیاندنی مافی خودمختاریی نه ته وا -
یه تی له ناو چوارچیوهی نیشتمانی واحیدی ئیمه ئیراندا. که مایه تیه
نه ته وایه تیه کان که له بهر بلاوه ییی خویان ناتوانن خاوه نی خودمو -
ختاری بن ده بی بهرانبه ریی مافیان له گهل نه ته وه و گله کانی دیکه ی
دانیشتوی خاکی ئیمه و ههروه ها مافی فهرهنگی یان دابین بکریت.

۶- ناکوکیه نه سلیه کانی کومه لی ئیستای ئیران بریه تین له
ناکوکیی هه مو گله کانی وه لاتی ئیمه له گهل ئیمپریالیزم و
زیرده سته کانی و ناکوکیی ته واوی هم گهلانه له گهل
سه رمایه دار و خاوه ن زه ویه گه وره کان. ناکوکیی نه ته وایه تی هه رچه نه
بیکیکه له ناکوکیه گرینگه کانی کومه لی ئیمه. به لام جزوی ناکوکیه
نه سلیه کان نیه. لیره وه هم نه تیجه یه وه ده ست دیت که بیکه م نه رک
سه رسانی هه مو زه حمه ت کیشانی ئیران له ده ره جهی هه وه لدا بریه تیه
له بیکی خستنی کوششت بوخه باتی دژی ئیمپریالیزم و کونه په رستی و
بوگیشتن به سه ره به خویی و دیموکراسی. بیکیکه له مه ره جه بنه ره -

تیه کانی سدر که وتن له خه باتی دژی ئیمپریالیزم و کونه په رستیدا
بریه تیه له ییکه تیی رابه ری و سازمانی ته و او ی سازمانه کانی چینی
کریکاری ئیران له میقیاسی سهرانسهری وه لاتدا، بونی پروگرام و
ئه ساسنامه ی واحد، ره وتی ستراتژیک و تاکتیکی واحد تاله مریگایه وه
ییکه تیی ئیراده و کرده وه ی حیزبی چینی کریکار له سهرانسهری وه لاتدا
دابین بکریت. داوای دامه زرانندی سازمانی جیاوازی حیزبی چینی
کریکار له سهر بنه ره تی نه ته وایه تی داواییکی ناسیونالیستی یه که
به پرش و بلاوه ییی چینی کریکاری ئیران و له نه تیجه دا به بی هیزبونی
وی له به رانبر دوژمنانی گشتی دا و هه روه هابه بی هیزبونی کاری به جی—
که یانندی رابه رایه تیی ئه مچینه به سهر ته و او ی جولانه وه دا ته و او ده بیت.
ناکوکی نه ته وایه تی و مه سه له ی نه ته وایه تی ته نیا له ناو چوارچیوه ی
چاره سهر کردنی ناکوکیه ئه سلیه کانی کومه لدا و له ژیر رابه رایه تیی
حیزبی چینی کریکار دا ده توانیت به دروستی و بنه وه شتی و به شیوه ی
نیهاییی و ییکجاری چاره سهر بکریت. حیزبی توده ی ئیران له هه م—
جوره خه بات و داواییکی نه ته وایه تی که له ناو ئه م چوارچیوه یه دا
بیت پشتیوانی ده کات و خویشی به نوره ی خوی ئه م داوا گشتیه دیمو—
کراتیکه ی له پروگرامه که یدا داناوه و له پیناویدا خه بات ده کات.

۷— ههر به و جوره ی که مو تله ق کردنی ناکوکی نه ته وایه تی و
حیا کردنه وه ی وی له ناکوکیه ئه سلیه کانی کومه ل ئاخری به هه له پییی
نه ته وه په رستانه و گوشه گیری نه ته وایه تی ده کات حاشا کردن له مه سه له ی
نه ته وایه تی و خوگیل کردن له م مه سه له یه یش ده بیته هوی هه له پیی—
ییکی جیددی دیکه که له شووینیسمی نه ته وه ی گه وره وه سهر چاوه
ده گریت. ییکیک له دیارده ئیدیولوژیکه کانی شووینیسمی نه ته وه ی
گه وره له وه لاتی ئیمه پان ئیرانیسمه که له وجودی واحدیه نه ته وایه تیه

جور به جوره کان له ئیراندا حاشا ده کات و به ناوی «یکه تیی نه ته وایه تی» بو ستمی نه ته وایه تی پاکانه ده کات و ئهم ستمه ده سه لمینیت. حیزبی ئیمه ئیران به نیشتمانی گشتیی ته وای گهل و نه ته وه و که مایه تیه نه ته وایه تیه کانی دانیشتوی ئیران ده زانیت و له م باره وه ته وای ئه وان به ئیرانی ده ژمیریت. به لام دانیشتو وائی ئیران، وه کو کوترا، له چه ندین واحیدی نه ته وایه تیی جور به جور پیکه اتون. حیزبی توده ی ئیران هه ردو هه له یی-ناسیونالیسمی نه ته- وه ی پچوک و شووینیسمی نه ته وه ی گه وره- و ته وای ئه و ئیدیولوژی و سیاسه ته ی که له م هه له یی یانه سه رچاوه ده گرن ره د ده کات و به پیچه وانه ی ئه وان خه باتی کردووه و ده کات. حیزبی چینی کریکار ته نیا کاتیک ده توانیت بروای کاملی گه له بی به شه کانی وه لاتی ئیمه بولای خوی راکیشیت که به بیر و کرده وه نه ک هه ر قازانجی چینایه تی. به لکو هه روه ها قازانجی نه ته وایه تیی ئه وان به شیوه ی شیلگیر و بنه- وه شت بپاریزیت-هه ربه و جوره ی که حیزبی ئیمه له میژوی تیکوشانی خویدا هه میسه وای کرده وه.

۸- ئهم به لگه یه که به پیی ئه سپارده ی پلینومی چوارده هه می کومیته ی ناوه ندیی حیزبی توده ی ئیران ئاماده کراوه بنه ره تی ئوسولی و زانستییی سیاسه تی حیزب له مه سه له ی نه ته وایه تیدا رون ده کاته وه. ئهم به لگه یه ده بی له مه سه له ی نه ته وایه تیدا بییت به بنه ره تی گشتیی قه زاوه تی ته وای هاوالانی حیزبی و لاگرانی حیزبی ئیمه و به لیک گه یشتنی زه حمه ت کیشانی هه مو واحیده نه ته وایه تیه کانی دا- نیشتوی وه لاتی ئیمه یارمه تی بکات. دروست تیگه یشتن له مه سه له ی نه ته وایه تی شه رتی بنه وه شت بون له دیمو کراتیزمی شورشگیرانه دایه. حیزبی ئیمه له گرینگی و ئالوزاویی مه سه له ی نه ته وایه تی که خاوه نی

ریشه‌ی قولی میژویی و کومه‌لایه‌تیه به‌ته‌واوی ئاگاداره و به‌وه‌کار-
هینانی ئوسولی مارکسیزم-لنینیسم به‌پیی ههل و مهرجی کونکریتی
وه‌لات پایه‌ی سیاستی خوی له‌سه‌ر بنه‌ره‌تی دابین‌کردنی بی‌که‌تی و
به‌ییک برواکردنی نه‌ته‌وه و گهل و که‌مایه‌تیه نه‌ته‌وایه‌تیه‌کانی دا-
نیشتوی ئیران دارشتوووه.

ه‌دیئه‌تی ئیجرائیه‌ی کومیت‌ه‌ی ناوه‌ندیی

حیزبی توده‌ی ئیران

۱۷. نه‌زه‌لوه‌ری ۱۳۵۲

هه‌وه‌ناامه‌ی کتێب

هه و النامه‌ی کتیب

از انتشارات حزب توده ایران

۱۳۵۲